عصر مردم

والعصر

هر که او آگاهتر، جانش فزون

پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۷ - ۷ رجب ۱۴۴۰ - شماره ۶۵۸۹

روزنامه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد عسلی

سردبیر: اسماعیل عسلی

رتبه: ۴۳

ISSN: 1557 - 2008

لیتوگرافی و چاپ: روزنامه عصر مردم - تلفن: ۳۲۳۵۹۶۱۰

تلفن سرپرستی‌های عصر مردم در:

اصفهان: ۰۹۱۳۹۱۴۷۷۲۷ هاشمی

کرمانشاه: ۰۹۱۸۳۱۱۴۹۸ کبودی

بوشهر: ۰۹۱۷۷۷۲۳۶۰۵ رستمی

نشانی: شیراز - قصردشت - چهارراه ملاصدرا - نبش کوچه ۳۳ - ساختمان روزنامه عصر مردم

تلفن: ۳۸-۳۲۳۰۰۳۳۷ - نمابر: ۳۲۳۰۳۸۳۰

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۱۳-۳۲۳۴۸۰۱۰-۳۲۳۴۵۸۸۰-۲-۳۲۳۴۱۰۰۰

WEB: Asremardom.com

Email Address: asr.e.mardom@Gmail.com asremardom

گاه‌روز

اذان صبح	۰۴:۵۴
طلوع آفتاب	۰۶: ۱۲
اذان ظهر	۱۲:۰۹
اذان مغرب	۱۸:۲۴

امروز

۳ ▼ ۱۷ ▲

افزایش ابر گاهی وزش باد شدید در بعدازظهر بارش باران

خداوند سبحان می‌فرماید: «پس مرا یاد کنید تا شما را با نعمت بخشیدنم یاد کنم و مرا از طریق فرمانبری و بندگی، یاد کنید تا من نیز از طریق نعمت‌ها و نیکی و مهربانی و خشنودی [خویش]، شما را یاد کنم».

پیامبر اکرم (ص)

انگار نه انگار

احمد رضا سهرابی

گفت‌وگو با شهریار عباسی

ادبیات داستانی بدون مردان؟!

ایسنا: شهریار عباسی از نگرانی برای کمرنگ شدن حضور مردان جوان در زمینه داستان ایرانی می‌گوید که به اعتقاد او از وضعیت نامناسب حوزه نشر آثار داستانی ناشی می‌شود.

این نویسنده در باره وضعیت کارگاه‌ها و آموزش ادبیات داستانی در سال ۹۷، اظهار کرد: من در سال‌های اخیر کارگاه‌های متنوعی داشته‌ام. آن‌چه در چند سال اخیر مشاهده کرده‌ام این بوده است که غالب یا حتی تمام کسانی که در کارگاه‌ها شرکت می‌کنند خانم‌ها هستند. در یک کارگاه حدوداً پانزده‌نفره یک یا دو نفر آقا و بقیه خانم هستند و گاهی هم اصلاً آقا در کارگاه نیست. این مسئله از این جهت خوشحال‌کننده است که خانم‌ها وقت می‌گذارند و از ادبیات استقبال می‌کنند و در این عرصه تلاش می‌کنند.

او افزود: اما از یک طرف هم در جامعه ادبیات داستانی داریم مردان جوان را از دست می‌دهیم و این در درازمدت نتیجه‌اش مشخص می‌شود. وقتی میل به انتشار آثار داستانی کمتر است و چرخه عادی آن هم امسال دچار مشکل بوده، میل به استقبال از آن کمتر می‌شود و داستان‌نویسی به یک شغل لوکس برای یک عده خاص تبدیل می‌شود و در نتیجه آن درخششی را که در آینده انتظار داریم نخواهیم دید.

عباسی سپس با اشاره به تأثیر مشکلات نشر گفت: من از این بابت نگران هستم؛ چون اگر بناست ما نویسندگان حرفه‌ای داشته باشیم، جوانان بیایند آموزش ببینند، تلاش کنند، زحمت بکشند و در عرصه ادبیات داستانی فعالیت کنند، باید زندگی‌شان یا دست‌کم بخشی از آن از این طریق تأمین شود، از طریق روش‌های مرتبط؛ مثلاً در یک انتشارات فعالیت کنند یا خودشان به آموزش بپردازند تا زندگی‌شان بچرخد. اما حالا چنین چیزی وجود ندارد. چون نه ناشری کسی را استخدام می‌کند و نه کتاب‌فروشی تازه و خصوصی تأسیس می‌شود. همه این‌ها باعث می‌شود که داستان‌نویسی در بین جوانان کم شود، بخصوص در پسران. آنها ترجیح می‌دهند در کار دیگری وقت بگذارند.

نویسنده رمان «بازیگوش» با بیان این‌که وضعیت ادبیات داستانی امسال به نسبت سال‌های قبل، تغییر چندانی نداشته است، اظهار کرد: با توجه به وضع اقتصادی کشور در نیمه دوم سال و وضعیت کاغذ، مشکلاتی به وجود آمد و از حجم انتشار آثار کم کردند. اولین تأثیر آن هم بر روی ادبیات داستانی و آثار تألیفی داخلی است. آثار آموزشی یا دانشگاهی در هر شرایطی کارشان را ادامه می‌دهند؛ آثار ترجمه هم بنا به دلایلی که پیچیده است، کمتر آسیب می‌بینند. اما وقتی مشکلاتی از قبیل گرانی کاغذ به‌وجود می‌آید که نشر را دچار مشکل می‌کند، داستان ایرانی قربانی می‌شود. تا آن‌جایی که اطلاع دارم ناشران ادبیات داستانی خصوصاً در نیمه دوم امسال، آثار را خیلی کم پذیرش کردند. نتیجه این مسئله در سال آینده بیشتر نمایان خواهد شد و این چشم‌انداز خوبی برای نشر ادبیات داستانی داخلی نیست.

تیتر آخر • صفدر دوام

کریم پور شیرازی و رقص مرگ در آتش

به گواه تقویم تاریخ مطبوعات کشور ۲۴ اسفند ماه سالروز آتش زدن روزنامه نگار مبارز امیر مختار کریم پور شیرازی مدیر روزنامه " شورش " می باشد.

او در سال ۱۲۹۹ در روستای دهویه بخش رونیز استهبان متولد شد و دوران کودکی را در محله سید شمس الدین استهبان گذراند دوران تحصیل کریم پور در مقطع ابتدایی در مدرسه شیخ مغربی و زیر نظر معلمین جاودان یاد سید روح ا... کشفی، منصوری و الهی بود. دوران تحصیل و جوانی کریم پور زوایای مختلفی دارد که علاقه مندان می توانند به کتاب ارجمند دوست محقق و پژوهشگر سخت کوش محمد رضا آل ابراهیم با عنوان " زندگی و مبارزات کریم پور شیرازی " مراجعه نمایند.

به نقل از افراد همروزگار نوجوانی این روزنامه نگار مبارز، او در عهد جوانی دست به قلم داشته و شعر و نوشته‌هایی نیز از آن روزگار به جا گذاشته است. امیر مختار کریم پور شیرازی نخستین شماره نشریه خود یعنی "شورش " را در بهمن ماه ۱۳۲۹ خورشیدی در تهران منتشر کرد و پس از آن این هفته نامه به دلیل مبارزه علنی با حکومت و شخص شاه به محاق توقیف رفت. اما او با عناوین دیگر نظیر فریاد ایران، قیام ملت، مرد وطن، ندای البرز و مهر میهن کار مطبوعاتی خود را آمیخته با مبارزه ادامه داد! مرحوم کریم پور موفق شد ۸۸ شماره نشریه شورش را تا ۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۲ منتشر کند و در ۲۶ مهر ماه او را به جرم هواداری دولت دکتر مصدق دستگیر کردند!

سال انتشار نشریه " شورش"از جمله بدترین سال‌های زندگی سیاسی این ملت بود، چون از یک سو، ملت ایران به رهبری دکتر مصدق فریاد «ملی شدن صنعت نفت» را بلند کرده بود، و از طرف دیگر، سپهبد رزم آرا، نخست وزیر وقت، تلاش می‌کرد تا این فریاد خروشان را در نطفه خفه کند و در چنین شرایطی بود که کریم پور قیام کرد و در سرمقاله نخستین شماره روزنامه شورش مورخ ۲۹/۱۱/۲۳ نوشت: «... یک بار دیگر با کمال صراحت و مردانگی آشکارا و علنی فریاد می‌زنم: ای مردم، اگر طالب سعادت خویش و خوشی ایران و ایرانیان هستید، چاره منحصر به فرد، فقط یک شورش و انقلاب خونین است. در صورتی که از مرگ سرخ بترسید، با روی سیاه و در برابر کاخ‌های سفید سر به فلک کشیده، از گرسنگی و بدبختی خواهید مرد. باید بین مرگ شرافتمندانه و زندگی ننگین یکی را انتخاب کنید من که مرگ شرافتمندانه را انتخاب می کنم "

سرمقاله‌های شورش که توسط خود کریم پور نوشته می‌شد از اهمیت فوق‌العاده‌ای در میان سایر مطالب روزنامه برخوردار بود که سایر مطالب روزنامه را تحت‌الشعاع قرار می‌داد. اصولاً بیشترین شهرت کریم پور به خاطر نوشتن همین سرمقاله‌هایش بود. «من به قرآن مجید سوگند یاد کرده‌ام که چیزی جز به منفعت ملت ایران نگویم و سطری جز برای آسایش مردم ننویسم.

سرانجام کریم پور شیرازی به عنوان اعتراض پنج روز اعتصاب غذا کرد و در این مدت به حدی ضعیف و لاغر شده بود که قدرت نشستن و حرف زدن هم نداشت. دکتر سیدعلی شایگان و دکتر صدیقی که به کریم پور شیرازی شدیدا علاقه داشتند، نزد او رفتند و از وی خواستند که اعتصاب غذای خود را بشکند، ولی او با تمام احترامی که نسبت به این دو نفر قایل بود، تسلیم نشد.

چون در اثر اعتصاب غذا وضع مزاجی کریم پور شیرازی وخیم شده بود، سرتیپ تیمور بختیار فرمانده لشکر ۲ زرهی شخصاً بالای سر او آمد و او هم از کریم پور شیرازی خواست که غذا بخورد، ولی چون دید این روزنامه‌نویس مبارز یکدنده تسلیم نمی‌شود، دستور داد او را به بهداری لشکر ۲ ببرند. کریم پور را با آمبولانس به بیمارستان بردند و به هر ترتیبی بود وی را راضی کردند که اعتصاب غذایش را بشکند و سوپی برای او آوردند، ولی به علت آنکه ده روز غذا نخورده بود، سوپ را برگرداند و حتی روزهای بعد هم معده او هیچ غذایی قبول نکرد. تا این که یک روز آمبولانس جلوی بهداری توقف کرد و چند دقیقه بعد کریمپور شیرازی را با برانکارد، داخل آمبولانس گذاشتند و در همان حال بیماری، او را به سوی دادگاه نظامی بردند پرویز خطیبی مدیر روزنامه حاجی بابا می‌گوید: ما همه نگران وضع او بودیم. نیمه‌های شب بود که ما و سایر زندانیان به صدای شلیک دو گلوله از خواب بیدار شدیم. آن شب هر چه از نگهبانان پرسیدیم، جواب صحیحی به ما ندادند. اما فردا صبح گفتند که دیشب کریمپور شیرازی می‌خواست فرار کند که نگهبانان به سوی او تیر خالی کردند، و وقتی دستگیر شد او را به شدت کتک زدند. اتهام فرار به کریم پور شیرازی، آن هم با آن حال بیماری و ضعف شدید که حتی نیروی راه رفتن نداشت، از آن حرف‌ها بود!

قبلاً هم چندبار به بهانه این که کریم پور شیرازی می‌خواسته فرار کند، او را اذیت و آزار کرده بودند. یک روز گفتند او به‌عنوان بالش یک پالتوی سربازی را زیرسرش گذاشته و قصدش آن بود که نیمه شب پالتوی سربازی را پوشیده از زندان لشکر فرار کند. آنها هیچ فکر نمی‌کردند که هیچ آدم عاقلی نمی‌تواند شبانه فقط با پوشیدن یک پالتوی سربازی روی لباس معمولی از زندان فرار کرده و بعد هم از در محوطه لشکر و در مقابل چشم نگهبانان خارج شود.

ما زندانیان سیاسی همگی نگران حال کریم پور بودیم و از همه افسران و سربازان و نگهبانان در باره وضع او سوال می‌کردیم، تا آنکه گروهبان ساقی در میان بهت و حیرت و تاثر گفت: کریم پور شیرازی که موفق به فرار شده بود، خودش را با نفت بخاری داریوش فروهر آلوده کرده و آتش زده است. کریم پور، در مدت حبس و در طول محاکمات ظالمانه، چندین‌بار از شدت و فشار شکنجه‌های زندان بان‌ها، دست به خودکشی زد و یک‌بار رگ گردن خود را با تیغ ژیلت برید! ساعت ده صبح آمبولانس آژیرکشان به طرف بیمارستان شماره یک ارتش رفت و ما دانستیم که این آمبولانس حامل جسد کریم پور است. کریم پور شیرازی ساعت ۳ بامداد روز دوشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۳۲ در میان شعله‌های آتش سوخت ساعت ده صبح به بیمارستان برده شد و ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز، خبر شهادت او منتشر شد و آنگاه این خبر دهان به دهان نقل شد که: به دستور اشرف، ابتدا کریم پور را با گلوله زدند و سپس پیکر نیمه‌جانش را آتش زدند و او را در میان شعله‌های آتش سوزاندند و بدین‌ترتیب، دست به انتقام جویی از نیش قلم یک روزنامه نگار زدند. در سالهای اخیر زندگی نامه این روزنامه نگار به همت دکتر علی اکبر ولایتی به عنوان شورای مؤلفان کتب درسی در کتاب تاریخ مقطع متوسطه برگرفته از کتاب جناب آل ابراهیم گنجانده شده است.

حافظ و مولوی در مقابل خیام

ایسنا: محمدهاشم اکبریانی می‌گوید در کتاب جدیدش، «ایدئولوژی و ادبیات» در قیاس اندیشه تمرکزگرا و تکثرگرا، شعر حافظ و مولوی را در مقابل شعر خیام قرار داده است.

این نویسنده در باره تازه‌ترین کتابش اظهار کرد: «ایدئولوژی و ادبیات» که توسط نشر مروارید منتشر شده است، در فروردین‌ماه ۹۷ توزیع شد و در اسفندماه امسال هم چاپ اول آن به پایان رسید. بحث اصلی کتاب این است که شعر در گذشته ایران، آیینه اندیشه‌ها و افکار مختلفی بوده، در نتیجه مطالعه شعر ایران می‌تواند مطالعه اندیشه ایرانی باشد.

او افزود: در این کتاب، اندیشه شاعران کلاسیک همانند حافظ، مولوی و خیام مورد بررسی قرار گرفته است و نتیجه‌گیری شده که شعر حافظ و مولوی شعر تمرکزگراست و شعر خیام تکثرگراست. در واقع ما دو نحله فکری در تاریخ اندیشه ایران داشتیم که یکی تاکید بر تمرکزگرایی داشته و یکی تکیه بر تکثرگرایی. در واقع شعر خیام در مقابل شعر حافظ و مولوی قرار دارد.

نامزدهای جایزه «بوکر» بین‌الملل معرفی شدند

ایسنا: سیزده کتاب به عنوان نامزدهای اولیه جایزه بوکر بین‌الملل ویژه برترین آثار ادبی ترجمه‌شده به زبان انگلیسی از سراسر جهان شناخته شدند.

به نقل از گاردین، جایزه ۵۰ هزار دلاری بوکر بین‌الملل به صوت برابر میان نویسنده و مترجم تقسیم خواهد شد و امسال نام نویسندگانی از کشورهای عمان، چین، فرانسه، آلمان، آرژانتین، ایتالیا، سوئد، لهستان، کلمبیا، هلند و شیلی در فهرست بلند نامزدهای این جایزه ادبی دیده می‌شود.

«اُلگا توکارزوک» نویسنده لهستانی که سال گذشته با رمان «پروازها» موفق به کسب جایزه ادبی بوکر بین‌الملل شده بود نیز امسال با رمان «استخوان‌های مردگان را شخم بزن» به جمع نامزدهای اولیه راه یافته است. این نویسنده لهستانی سال گذشته پس از کسب جایزه بوکر بین‌الملل شاهد رشد ۶۲ درصدی فروش کتاب «پروازها» بود.

فهرست کامل نامزدهای اولیه جایزه بوکر بین‌الملل در سال ۲۰۱۹ از این قرار است:

«اجرام آسمانی» نوشته «یوکا الهارتی» (عمان)؛ ترجمه‌شده از عربی توسط «مارلین بوث»

«عشق در هزاره جدید» نوشته «کان ژو» (چین)؛ ترجمه‌شده توسط «آنلی فینگان واسمون»

«سال‌ها» نوشته «آنی ارنو» (فرانسه)؛ ترجمه‌شده توسط الیسون استرایر»

«در هنگام غروب» نوشته «هوانگ سوک-یونگ» (گکره جنوبی)؛ ترجمه‌شده توسط «سورا کیم-راسل»

«چُک‌هایی برای مردان مسلح» نوشته مازن معروف (ایسلند و فلسطین)؛ ترجمه‌شده از عربی توسط «جاناتان رایت»

«چهار سرباز» نوشته «هوبرت مینگارلی» (فرانسه)؛ ترجمه‌شده توسط «سم تیلور»

«جزایر کاج» نوشته «مارون پوچمان» (آلمان)؛ ترجمه‌شده توسط «جین کالجا»

«لقمه پرندگان» نوشته «سامانتا شوبلین» (آرژانتین و ایتالیا)؛ ترجمه‌شده از اسپانیولی توسط «مگان مک‌داول»

«دانشکده رویاها» نوشته «سارا استرایدسبرگ» (سوئد)؛ ترجمه‌شده توسط «دبورا براگن-ترنر»

«استخوان‌های مردگان را شخم بزن» نوشته «اُلگا توکارزوک» (لهستان)؛ ترجمه‌شده توسط «آنتونا لوید-جونز»

«شکل ویرانه‌ها» نوشته «خوان گابرلی واسکز» (کلمبیا)؛ ترجمه‌شده توسط «آن مکلین»

«مرگ مورات ادریسی» نوشته «تامی ویرینگا» (هلند)؛ ترجمه‌شده توسط «سم گرت»

«یادآور» نوشته «آلیا ترابوکو زاران» (شیلی و ایتالیا)؛ ترجمه‌شده توسط «سوفی هیوز»

فهرست شش نامزد نهایی جایزه بوکر بین‌الملل در سال ۲۰۱۹ روز ۹ آوریل (۲۰ فروردین) اعلام می‌شود و برنده نهایی نیز روز ۲۱ ژوئن (۳۱ خرداد) معرفی خواهد شد.

جایزه بوکر بین‌الملل از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ به صورت دوسالانه برگزار می‌شد و به مجموعه آثار یک نویسنده که به زبان انگلیسی نوشته یا ترجمه شده بودند، تعلق می‌گرفت؛ اما از سال ۲۰۱۶ این جایزه به صورت سالانه برپا می‌شود و به یک کتاب که به زبان انگلیسی ترجمه شده باشد تعلق می‌گیرد.

مسعود دلخواه مطرح کرد:

چرا جشنواره‌ی تئاتر فجر رو به افول گذاشته است؟

ایسنا: مسعود دلخواه معتقد است: جشنواره‌ی تئاتر فجر به عنوان مهم‌ترین رویداد سالانه تئاتر ما نیازمند ارزیابی، آسیب شناسی و ارایه پیشنهادهای بهتر است تا با انجام این امر، سطح کیفی آن ارتقاء پیدا کند.

این هنرمند تئاتر در ارزیابی جشنواره‌ی تئاتر فجر به عنوان مهم‌ترین جشنواره‌ای که در سال سپری شده برگزار شده به ایسنا گفت: مخاطبان با استقبال یا عدم استقبال خود از جشنواره تئاتر فجر، هر ساله، ارزیابی و نظر خود را در باره این رویداد بیان می‌کنند. همچنان که منتقدان و رسانه‌ها و صنف‌های گوناگون تئاتر نیز دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند.

او از برپایی چند نشست برای ارزیابی جشنواره تئاتر فجر از سوی کانون کارگردانان خانه تئاتر در آغاز سال آینده خبر داد و افزود: قرار است، این نشست‌ها بعد از تعطیلات نوروز با حضور دبیران دوره‌های مختلف جشنواره تئاتر فجر برگزار شود و با حضور کارشناسان، روند جشنواره را ارزیابی خواهیم کرد و به این نکته می‌پردازیم که چرا این جشنواره رو به افول گذاشته است؟!

کارگردان نمایش «لیرشاه» ادامه داد: باید مشخص شود چرا در این چند دوره از رونق و شور و هیجان و گرمای جشنواره فجر کاسته شده و شور و شوق آن به سردی گراییده است. این وضعیت حتماً دلایلی دارد که باید در باره آن سخن گفت.

دلخواه در عین حال متذکر شد: صحبت در باره چشم‌انداز جشنواره فجر، بدون در نظر گرفتن عامل بودجه، بی‌معناست چرا که بدون بودجه کافی نمی‌توان جشنواره باشکوهی برگزار کرد و این نکته‌ای است که تصمیم‌گیرندگان بودجه، باید آن را در نظر بگیرند.

این استاد دانشگاه یکی از نکات مهم جشنواره فجر را بحث ملی یا بین‌المللی بودن آن دانست و توضیح داد: این مساله بسیار مهم است چرا که هر روز شاهد اجراهای ضعیف‌تری از کشورهای خارجی هستیم به طوری که امسال بیشتر تماشاگران از نمایش‌های خارجی جشنواره ناراضی بودند. اگر نظر هیات انتخاب نمایش‌های این بخش را جویا شویم، خواهند گفت که بودجه نداشتیم و ناچار بودیم گروه‌های ارزان‌تر را دعوت کنیم اما بهتر بود به جای ده نمایش بی‌کیفیت، دو سه نمایش خوب را انتخاب یا حتی بخش بین‌الملل را حذف کنیم.

کارگردان نمایش «مفیستو» ادامه داد: کمی خنده‌دار است که در جشنواره‌ای مانند جشنواره امسال، همه جوایز بین‌الملل را به خودمان بدهیم. در این وضعیت باید پرسید آیا داوران تعصبی داشتند که همه جوایز را به هنرمندان داخلی بدهند یا هیچ یک از نمایش‌های خارجی شایسته دریافت جایزه نبودند که در هر دو صورت، ناخوشایند است. البته بعید است بخش اول این فرضیه درست باشد بنابراین این پرسش اضافه می‌شود که اگر این گروه‌ها حتی شایسته دریافت یک جایزه نبودند، چرا برای شرکت در جشنواره انتخاب شدند. این مسایل باید ریشه‌یابی شود.

او به اشاره به بخش‌های ایرانی این دوره از جشنواره افزود: تقسیم‌بندی نمایش‌های ایرانی در هفت بخش، موجب شد که تماشاگر ما هم به نوعی تقسیم شود و استقبال کمتر به چشم می‌آمد. از سوی دیگر اجراها باید حساب و کتابی داشته باشد. مثلاً دو اجرای محدود برای نمایشی که مورد استقبال تماشاگران است، در یک سالن کوچک، کافی نیست و باید تعداد اجراهای آن بیشتر شود تا تماشاگر هجوم نیاورد.

دلخواه با تاکید بر لزوم تبادل تجربه میان گروه‌های شرکت‌کننده در جشنواره افزود: وقتی گروه‌های خارجی و گروه‌های استان‌ها بلافاصله بعد از اجرای نمایش‌هایشان از جشنواره خداحافظی می‌کنند، دیگر چه تبادل تجربه‌ای می‌تواند اتفاق بیفتد در صورتی که بخش مهمی از هر جشنواره، انتقال فرهنگ و تجربه است اما این بخش‌ها در جشنواره ما تعطیل شده است و گویی جشنواره ما برگزار می‌شود فقط به این دلیل که باید برگزار شود.

عضو هیات داوران این دوره از جشنواره افزود: از آنجا که هیات داوران هر دو بخش مسابقه ایران یک و دو با یکدیگر در تماس بودیم، از بسیاری از این انتخاب‌ها شوکه شده بودیم چون واقعاً آثار ضعیفی بودند.

این کارگردان تئاتر در پایان در باره محاسن این دوره از جشنواره فجر گفت: خوشبختانه امسال به درستی بخش‌هایی از داوری جشنواره که در سال‌های قبل حذف شده بود، بار دیگر بازگردانده شد و بخش‌هایی مانند طراحی گریم، حرکت، طراحی صدا و ... در داوری‌ها لحاظ شدند چرا که فعالان این رشته‌ها هم هنرمند هستند و دیده شدن آنان در داوری‌ها اتفاق خوبی بود.

گل گردانی در تاجیکستان، مژده بهار

ایرنا: هر ساله در اواخر بهمن و ماه اسفند، بازار فروش گلهای بهاری «بایچیچک و سیاهگوش» در شهرهای تاجیکستان بخصوص در روستاها داغ است. این سنت دیرینه و آیین باستانی موسوم به «گل گردانی» برای رساندن پیام بهار در بین تاجیکان است.

تاجیکان فارسی زبان که سالیان زیادی زیر سلطه نظام شوروی بودند ۲۷ سال است که دل به آیین‌های نیاکان از جمله نوروز باستانی بسته اند و آیین‌های بهاری را برگزار می کنند.

سنت قدیمی 'گل گردانی در آستانه فرا رسیدن عید بهار یکی از این آیین‌هاست. بر اساس این رسم ' که در تاجیکستان به آن «بایچیچک» یا «بایچیچک گویی' هم گفته می شود مردم تاجیک به مناسبت بیداری طبیعت و آغاز شکوفه دهی گلها و درختان به گل گردانی می‌پردازند.

در گذشته وظیفه گل گردانی بر عهده بزرگسالان بود اما این مراسم چند سالی است در اکثر محله‌ها توسط بچه‌ها و جوانان انجام می‌شود.

این مراسم به این صورت اجرا می‌شود که پیش از فرا رسیدن نوروز گل گردان‌ها و کودکان به دره و کوه و دشت و تپه رفته و از آنجا گل زردک یا سیاهگوش (بایچیچک) می‌چینند. سپس با دسته‌های گل، روستا به روستا می‌گردند و به ساکنان آنها، مژده رسیدن بهار و پایان یافتن زمستان و آغاز کشت و کار بهاری را با اشعاری می دهند.

جشن 'بایچیچک' یا 'گل بهمن' یا گل گردانی، تاریخ بخصوصی ندارد و وابسته به میل طبیعت است و هرگاه نخستین گلهای بهمن جوانه بزنند و کودکان این گلها را پیدا کنند، مژده رسیدن بهار در کوی و برزن طنین می‌اندازد.

'جانبیک اسراریان' یک شخصیت فرهنگی تاجیک پیشتر به ایرنا گفته بود این مراسم که تنها در تاجیکستان سابقه دارد و در مکانهای مختلف با اسامی خاص نامیده می شود.

کودکان و جوانان به رهگذران و مسافران گلهای بهاری می فروشند و آنها نیز پایچیچک و سیاهگوش را به چشمان خود می‌مالند و بهار نو را خوش آمد گفته و شکرگزاری می کنند.

کودکان سیاهگوش و بایچیچک در دست، خانه به خانه پیام بهار را می‌برند و در مقابل هدیه می‌گیرند.

شعری که در مورد سیاهگوش تاجیک‌ها بر زبان می آورند با این مضمون است: 'گل سیهگوش هفت رنگ است، خوراک کبک دلتنگ است، همیشه بر سرش جنگ است، بهار نو مبارک باد'.

علاوه بر جشن عمومی نوروز در تاجیکستان، تاجیکان آیین‌های نوروزی را به خصوص در شهرهای خجند و بدخشان برگزار می کنند.

'خانه تکانی' یا 'جاروب بندان' یکی از این آیین‌هاست که معمولاً روز ۱۹ مارس (۲۸ اسفند) برگزار می‌شود. اشیای خانه را به تمام بیرون می‌برند، گرد و غبار را از در و دیوار و طاقچه‌ها می‌زدایند، پشت بام‌ها را می‌روبند و هزار اسپند دود می‌کنند.

زنان خانواده با آرزوی پرباری و برکت سال نو، جلد منقش کلاه‌های گردی را به آرد می‌زنند و بر دیوارهای دودخوردهٔ خانه، نقش گل می‌آفرینند. کودکان با گچ سفید روی دیوار نقش گل و بلبل و آهو و بز کوهی می‌کشند. رنگ سفید در روزهای نوروز نقش نمادین دارد و همه جا به چشم می‌خورد.

درحالی که زنان و کودکان سرگرم آرایش خانه هستند، مردان خانواده شاخه‌های بلند درختان را می‌برند و با کارد روی آنها گل می‌تراشند. سپس شاخه‌های آراسته را با ندای 'شاگون بهار مبارک!' وارد خانه می‌کنند و در سوراخ‌های پنج ستون خانه استوار می‌کنند.